

زمان برای راک پیشرو؛ شتابان فرارسید



Art-Rock/Prog-Rock

Bruce Eder

ترجمه سهراب محبی

امروز دیگر نوای گروه‌هایی چون King Crimson، Nektar، Magma به نظر پژواکی از دوران دوردست پارینه‌سنگی نمی‌آید. اگرچه برخی از اینان چون King Crimson و Pink Floyd با چهره‌ها و صداهایی جدید به بازنوایی خود برآمدند و دیگری چون Jethro.Toll، Moody Blues، هنوز سالن کنسرت‌ها را پر از تماشاگر می‌کنند.

تاریخ راک به خاطر دارد که اکثر این گروه‌ها زمانی فرمانروای امواج FM بودند و روی جلد‌های نشریات راک را پر می‌کردند. آلبوم‌های آن‌ها فروش‌های میلیونی می‌کرد و سال‌های ۱۹۷۶ و ۱۹۷۸ اوج دوران رقابت بزرگترین ستارگان پاپ بود. موسیقی این گروه‌ها راک پیشرو Progressive-Rock می‌نامند که به راک هنری و راک کلاسیک نیز موسوم است.

امتیاز پیشگامان راک پیشرو نسبت به پیروان دیگر شاخه‌های راک وام‌گرفتنشان از باخ، بهوون و واگنر به جای Chuck Berry و Bo Diddle است. اینان به جای ترانه تپیکال راک، سونیت می‌نوآزند و زبان آن‌ها به ویلیام بلیک یا تی‌اس الیوت نزدیک‌تر است تا کارل پرکینز یا ویلی دیسکون. نیمه اول دهه ۷۰ را آمیزه‌ی شیخ‌گون از نواها و چهره‌ها پر کرد و به اوجی دست یافت که مطمئناً پیشگامان راک اندرول را حیرت‌زده می‌کرد. اما امروزه راک پیشرو بیشتر از همه انواع دیگر راک دهه‌های ۶۰ و ۷۰ مورد سرزنش، ناسزا و استهزاء قرار می‌گیرد؛ منتقدان و مخاطبان عادی هنوز هم با دیدن



آلبومی از ELP یا Moody Blues خنده‌ی از سر تمسخر به لب می‌آورند. چگونه است که زائری چنین موفق ظرف چند سال به چنین فصاحتی کشیده شده؟ راک پیشرو ریشه‌های غیرقابل انکاری در راک روانگردان داشت. تا اواسط دهه ۶۰ راک‌اندربول موسیقی‌یی برای خوشگذرانی جوان‌ها به حساب می‌آمد و بیشتر متوجه بدن بود تا اندیشه و این باب ذیل بود که با ترکیب هدفمند و جدی موسیقی فولک با ابزار و آلات الکترونیکی آمیختن آن با اندیشه‌ی باعث رشد موسیقی راک شد. دیگران نیز مانند Byrds و Simon & Garfunkel از پی‌دیلن برخاستند. بیتلز در همان زمین در حال بسط امراکشان از جهان بودند، چراکه در همان زمان جان لنون به نوشتن اشعاری جدی‌تر زوی آورده بود و ترانه‌های متفکرانه چون «باید عشقت را پنهان کنی» You're Got to Hide Your Love away

Beatles نقش‌کنیدی بازی کرد و ساز ملوترون Mellotron نیز توسط بیتلز به کار گرفته شد. از این ساز گروه‌های دیگری نیز استفاده کرده بودند ولی بیتلز آن را ساز انتخابی خود کرد. در محیط آن روزگار رشد راک پیشرو اجتناب‌ناپذیر بود. اما نفوذ اندیشه‌ی به راک‌اندربول و توفیق این نفوذ مانند خارج کردن غول از بطری بود که منجر به رشد فزاینده استفاده از فاروهای توهیزا و تشدید خفایت ماجراجویانه گروه‌ها و مخاطبان آن‌ها شد؛ علاوه بر این به افزایش فشار بر روی گروه‌های تازه‌تری انجامید که نیاز به پیدا کردن

نواهای مخصوصی به خودشان را احساس می‌کردند. وقتی راک پیشرو در ژوئن ۱۹۶۷ با شور و شوق آغاز شد، موسیقی کلاسیک نیز مانند جز و بلوز تبدیل به منبع الهام گردید. Andrew Loog Oldham مدیر اجرایی و گرداننده قبلی رولینگ استونز Rolling Stones آماده می‌شد که ستاره جدید خود، P.P (Pat) Arnold را به تور بفرستد و گروهی برای او گرد آورد. گروه آن‌ها The Nice نام گرفت و کیت امزسون Keith Emerson که از کودکی به مطالعه موسیقی جزو کلاسیک پرداخته بود، کاری که هیچ کدام از اعضای بیتلز نکرده بودند، نوازندگی کیبورد گروه را به عهده گرفت. The Nice به زودی آرنولد را تحت‌کنترل در آورد و موسیقی کلاسیک را با ترانه‌های دیلن، بیتلز و خستی‌کنی از انشوموریکونه Ennio Morricone، آهنگساز فیلم ایتالیایی استفاده کرد. به زودی آرنولد فراموش شد و همچنان اولین آلبوم The Nice، Davjack thoughts of Emerlist منتشر شد. در حالی که Nice همچنان نام خود را در فستیوال‌های متعدد ثبت می‌کرد، پینک فلوید Pink Floyd در صحنه کلپ‌های لندن، با ترکیب اشعار کودکانه، تقویت صوتی‌های قوی و صداهای بستیط ابزاری، صدایی شبیه به نواهای Nice را به گوش شنوندگان رساند.

با جدایی سید بارت Syd Barret از پینک‌فلوید گروه پرشی از راک روانگردان به راک پیشرو کرد. Procol Harum که از بازیگران یک گروه سبک R&B



راک پیشرو با ظهورش در ۱۹۶۷
به جای جز و بلوز، موسیقی کلاسیک را منبع
الهام قرار داد و زبان اشعارش
به شاعرانی نظیر تی‌اس الیوت و
ویلیام بلیک نزدیک شد

با نام Paramounts بود. ماه‌ها با ترانه A Whiter Shade of Pale که برگرفته از یک کورال باخ بود ماه‌ها در صدر جدول‌ها نشست. ولی همه این گروه‌ها به نحو طنزآمیزی توسط گروهی که کمتر کسی انتظار داشت زمین زده شدند. با آلبومی که چندان هم نمایانگر خصوصیات راک پیشرو نبود. در ۱۹۶۷ کمپانی English Decca برای عرضه سیستم پیشرفته استودیوی خود به گروهی نیاز داشت که به همراه ارکستر نسخه راک سمفونی جهان تازه Dvorak را اجرا کند. Moody Blues، گروه سخت‌گوشی که ابتدا سبک‌اش R&B بود، انتخاب شد و در زمان کوتاهی گروه کار بر روی اثر دیووراگ را ترک کرد و اثر سرمست‌کننده و صوفیانه‌ی در سبک راک -پاپ با عنوان روزهای آینده سپری شده‌اند، Future Days are Gone را تصنیف

کرد. آلبوم در پاییز انتشار یافت و موفق به جذب جوان‌هایی شد که نسخه‌های آلبوم Sgt Peppers، بیتلز خود را پوسانده بودند و به آلبومی دیگر از همان رگه نیاز داشتند. Moody Blues به زودی با برجسته ساختن استفاده از ملوترون به جای ارکستر، هوشمندی خود را که برای حفظ نواهایشان بدان نیازمند بودند، توسعه دادند.

فعلیت هیچیک از گروه‌ها نظیر The Grimsون، Nice و حتی Pink Floyd، که در حال بازتعریف کردن خود بودند، نتوانست جنبه جهانی پیدا کند و تنها Moody Blues از این قاعده مستثنی بود. Jethro Tull که با بلوز آغاز کرده بود هنوز روی جز، فولک یا متناهی به آثار کلاسیک کار می‌کرد. Yes که در سال ۱۹۶۸ تشکیل شده بود هنوز یک گروه فولک -پاپ به شمار می‌رفت. Barclay James Harvest نیز در طول سال‌های شکل‌گیری‌اش هرگز یک ترانه پر فروش نداشت. کیت امرسون نیز با از هم پاشاندن The Nice مشکل خودش و مشکل بزرگتر راک پیشرو را حل کرد. او با گزری لیکه کینگ امرسون و کارل پالمز از گروه Emerson، Crazy World of Arthur Brown، گروه Lake & Palmer را تشکیل داد.

اگر The Nice اولین گروه راک پیشرو بود، ELP گروه درجه یک این سبک محسوب می‌شد. آلبوم اول گروه که در سال ۱۹۷۰ با عنوان (ELP) و با عناصری از Bartok و Yanacek یک اثر درخشان بود و ترانه مستقل مرد خوش شانس، Lucky man به خوبی درخشید. حتی بعضی از ایستگاه‌های FM به پخش Take a Pebble می‌پرداختند که معمولاً حدود ۱۵ دقیقه از زمان برنامه شبانه FM را به خود اختصاص می‌داد، در حالی که در همان زمان هم گروه‌های The Three Fates and The Barbarian که آرگ و سنتین‌سایزر را با شدت و جدت می‌نواختند حضور

داشتند یعنی گروه‌هایی که مخاطبان راک کمتر از آنان شنیده بودند. بینک‌فلوید نیز در آن زمان با آلبوم مادر قلب اتسی، Atom Heart Mother بازگشت که آلبوم‌شان کلاً شامل ۳ ترانه بود و یکی از آن‌ها ۲۵ دقیقه طول می‌کشید. حتی دیپ پاریل Deep Purple که هنوز پدیده هوی‌متال دهه ۷۰ نشده بود و برای یافتن نواهای ویژه خود سرگردان بود، کنسرتوی گروه و ارکستر خود را منتشر کرد. Yes در این هنگام در راه راک پیشرو قدم نهاده بود و فروش خوب آلبوم‌های ELP کار را برای شیرجه زدن آن‌ها به درون این سبک آسان کرده بود. Yes آلبوم The Yes Album را که محلو از ترانه‌های طولانی و چند تکه بود ارائه کرد.

بیشترین موفقیت در میان گروه‌های فولک از آن Jethro Tull بود که با ترکیب نغمه‌های فولک انگلیسی، هرزه‌گویی و جنس‌بارگی جوانی با آلبوم‌های آبشش مصنوعی Aqualung و به ضخامت آجر Thick as Brick تبدیل به قهرمان بسیاری از جوانان دپیرستانی شد. آن آلبوم‌ها بیشتر بر اشعار بلند استوار بود. Genesis که به پیروی از مودی بلوز پا به عرضه راک نهاده بود، شروع به تجربیاتی با ترانه‌های طولانی‌تر درباره موضوعات عجیب و غریب کرده بود. موسیقی آن‌ها در سال ۱۹۷۸ و با آلبوم Nursery Cryme و دو آلبوم بعدی آن‌ها Fox Trot and Selling England By the Pound آن‌ها را به حیطه مهارت معنایی برد که شباهتهایی با اشعار T.S Eliot و Ezra Pound داشت.

با این‌که گروه‌های آمریکایی قدم‌هایی برای رقابت در عرصه راک پیشرو نهادند ولی این سبک راک یک پدیده اروپایی باقی ماند. آلمان و فرانسه نیز تنی چند راهی میدان کردند، از جمله Kraftwerk و Magma و Nektar و همچنین Premiata Forneria Marconi (بیشتر به نام PFM شناخته شده است) پاسخی به ELP و King Crimson بود ولی با موسیقی‌یی سبک‌تر و کمتر گوتیک. بعضی از این گروه‌ها اصولاً پرچرات، تجربی و مبتکر بودند و کمتر گرایش تجاری داشتند.

در ۱۹۷۳ بینک‌فلوید که همیشه به نوعی برای دستیابی به مخاطبان گسترده تلاش می‌کرد و هرگز موفق نشده بود، ناگهان به توفیق رسید. آلبوم نیمه تاریک ماه، The Dark Side of the Moon آن‌ها به یک غول فروش تبدیل شد و چنان در صدر جدول پرفروش‌ها قرار گرفته بود که انگار برای همیشه می‌خواست آن جا بماند و بیشتر از یک دهه در جدول‌ها باقی ماند. سه سال طول کشید تا آلبوم واکنش این جا بودی، Wish You Were Here بعد از Dark Side منتشر شد. و در این میان گروه‌هایی چون ELP، King

Crimson و Procol Harum به گونه‌ی سیمی در مطرح کردن خود داشتند. ترانه‌ها آلبوم به آلبوم طولانی‌تر، بلندتر و پرزرق‌وبرق‌تر می‌شدند. Yes با داشتن سه ترانه‌نویس و ۵ نوازنده ماهر و قابل اعتماد، خوش‌اقبال بود. موسیقی آن‌ها آلبوم به آلبوم پیشرفت می‌کرد و ترانه‌های Yes نیز طولانی‌تر می‌شد، تا آلبوم ۱۹۷۴ آن‌ها یعنی داستان‌هایی از اقیانوس‌های مکان‌نما Tales From Topographic Oceans بود که یک آلبوم دوتایی بود double-LP و در برگیرنده ۴ ترانه طولانی بود که ترانه‌های زیبایی بودند ولی آن قدر دشوار بودند که Rick Wakeman، نوازنده کیبورد، از همراهی گروه بعد از اجرای تور سر باز زد. روند تلاشی گروه از ۱۹۷۶ شروع شد، سالی که در آن ELP آلبوم زنده خود Welcom Back My Friends را که از موسیقی ضعیفی رنج می‌برد منتشر کرد. این آلبوم ناهنجار ستایی از آلبوم زنده و فلیچ Yes یعنی Yessongs بود که ELP به وضوح از آن‌ها تقلید کرده بود. آلبوم بعدی آن‌ها Works اساساً مشتعل بر سه آلبوم تکه‌تکه بود Solo به همراه تلاش گروه در طرف آخر، که شیفته‌ی هواداران را باز هم تخفیف داد. در این زمان مودی بلوز که موفق‌ترین گروه از لحاظ تجاری می‌شناختند متلاشی شده بود.

پایان به سرعت فرا رسید. مخاطبانی که به سال ۱۹۷۷ رسیده بودند برخلاف مخاطبان سال‌های ۶۰ حوصله گوش دادن به ترانه‌های سنگین سنی دقیقه‌ی راک پیشرو را نداشتند. گروه‌های پانک انگلیسی کار را با محکوم کردن بینک‌فلوید و دیگر گروه‌های صحنه راک پیشرو آغاز کردند. خود هنرمندان نیز تا حدودی خسته شده بودند. حال دیگر ده سال یا بیشتر از دوره روان‌گردان‌ها سپری شده بود و اکثر هنرمندان ده سال پیاپی به ضبط حرفه‌ی پرداخته بودند. ELP دیگر موسیقی پر انرژی تولید نمی‌کرد. Genesis با خیزش گروه‌های پاپ-راک سعی در باز تعریف کردن خود می‌کرد و Yes نیز به ساختن ترانه‌های چهار دقیقه‌ی، به جای چهل دقیقه‌ی روی آورده بود و حتی ترانه‌های مستقل منتشر می‌کرد. تا سال ۱۹۸۰ اکثر گروه‌های این سبک از صفحات و تیتراهای نشریات راک به‌روشنی رفته بودند. منتقدان کمی هم پیدا می‌شدند که با آن‌ها مهربانانه برخورد کنند و مردم هم دیگر اهستی به آن‌ها نمی‌دادند. به زودی راک پیشرو از یادها رفت. تنها چند پژواک بازمانده بود، گروه متال Marillion سعی در به کار بردن تصویرپردازی‌ها شغری Genesis را در کارهایش داشت. بعضی از گروه‌های اصیل از جمله ELP و Moody Blues دوباره شکل گرفتند و دوام آوردند ولی با همه مقاصد و اهداف و مفاهیم، یک دوره به پایان عمر خود رسید.